

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه:	موسوی گرمارودی، افسانه، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور:	آقاچیک چیکی / افسانه موسوی گرمارودی ؛ تصویرگر غزل فتح‌الهی.
مشخصات نشر:	تهران : نشر طلایی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۲۰ ص.: مصور (رنگی).: ۲۲ × ۲۹ س.م.
فروست:	ماجرای مردم شهر عجیب.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۹-۹۷-۳
وضعیت فهرست نویسی:	فیپا
یادداشت:	گروه سنی: ب ، ج.
موضوع:	داستان‌های فارسی
موضوع:	Persian fiction
موضوع:	داستان‌های تخیلی
موضوع:	Fantastic Fiction
شناسه افزوده:	فتح‌الهی، غزل، ۱۳۶۸ -، تصویرگر
رده بندی دیویی:	۱۳۹۷ آ۸۴۲۱م۳فا۸
شماره کتابشناسی ملی:	۵۰۹۱۰۵۹



آقا چیک چیکی

ماجرای مردم شهر عجیب

نویسنده: افسانه موسوی گرمارودی

ویراستار: شراره وظیفه شناس

تصویرگر: غزل فتح‌الهی

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: واژه پرداز اندیشه

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۹-۹۷-۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۳۰۶۶

تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۰۱۶۴۱۹

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب، برای نشر طلایی محفوظ است.

هرگونه بهره برداری از این اثر، به اجازه ناشر نیاز دارد.

nashre.talae@gmail.com 

@nashretalae 

www.talae.ir 

ماجرای مردم شهر عجیب



چک‌چکی

افسانه موسوی گرمارودی
تصویرگر: غزل فتح الهی

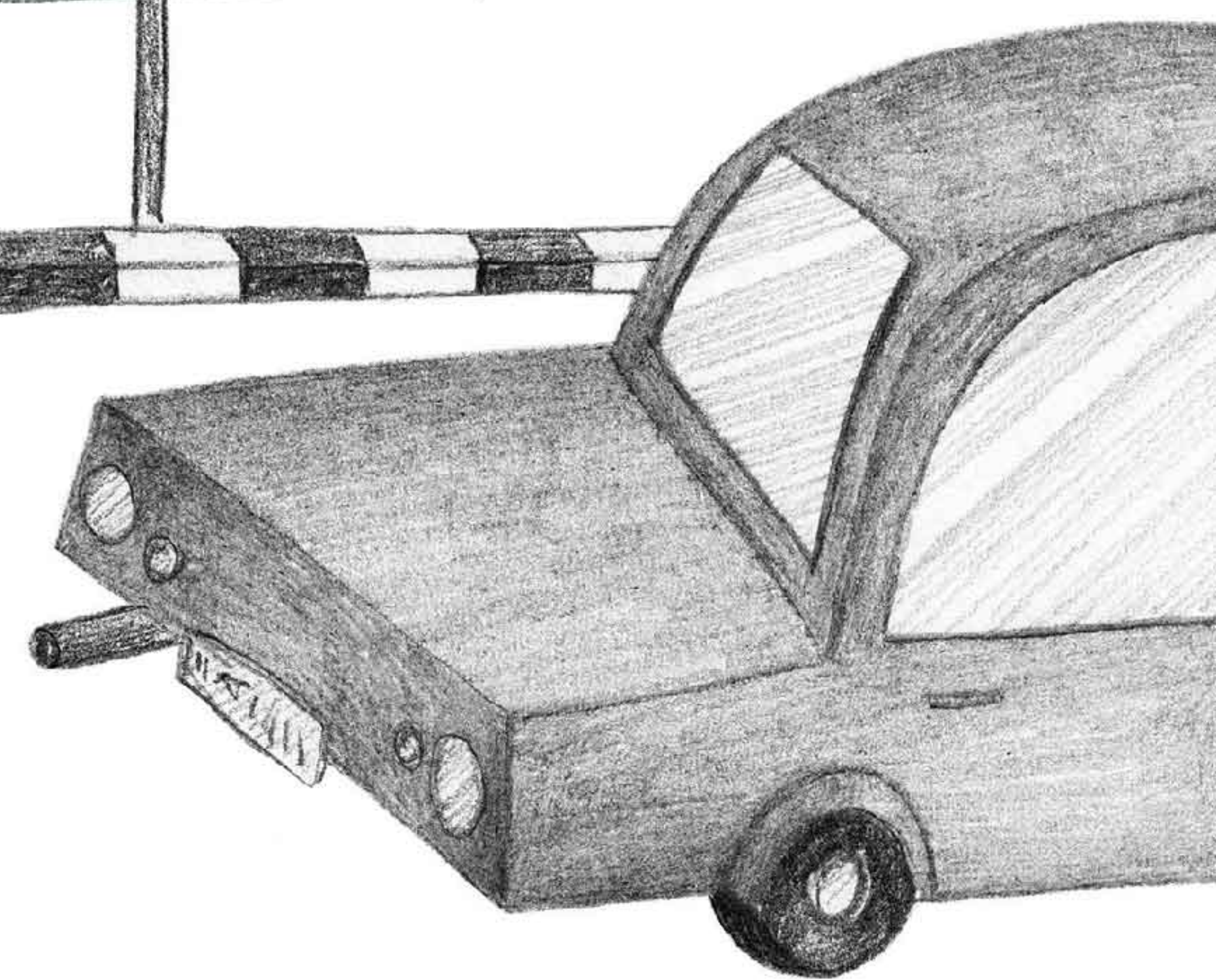






توی این دنیای بزرگ، که پر از شهرهای جورواجور است، شهری بود
که نه کوچک بود و نه بزرگ. شهری مثل همه‌ی شهرها با خیابان‌های
شلوغ، ماشین‌های زیاد و خانه‌های کوتاه و بلند؛ اما توی این شهر،
آدم‌های عجیبی زندگی می‌کردند. آدم‌هایی با ماجراهایی شنیدنی.

آقاچیک چیک یکی از آدم‌های این شهر بود.





آقاچیک چیکی عکاس شهر عجیب بود. عکس‌های خیلی خوبی هم می‌گرفت؛ البته عکاسی آقاچیک چیکی با بقیه عکاسی‌ها فرق داشت. چراکه بیش‌تر، آن‌هایی که با هم دعوا می‌کردند، پیش او می‌رفتند تا عکسشان را بگیرد. آقاچیک چیکی به عکس‌ها نگاه می‌کرد و می‌فهمید که تقصیر با کدام یک از آن‌ها بوده. توی عکس‌های آقاچیک چیکی، هر کی مقصّر بود سیاه و مات می‌افتاد. این را فقط آقاچیک چیکی می‌دید؛ برای همین سرش خیلی شلوغ بود.